

نگرشی تطبیقی به تقریب مذاهب و ناسیونالیسم

قربانعلی هادی*

چکیده:

این پژوهش در موضوع نگرشی تطبیقی به تقریب مذاهب و ناسیونالیسم پس از طرح مسئله در پنج بخش تنظیم شده است. «بخش اول، به کلیات پرداخته شده و در آن ضمن تعریف تقریب، وحدت و ناسیونالیسم، پیشینه تقریب و ناسیونالیسم بیان شده است. بخش دوم، به تبیین ناسیونالیسم پرداخته و با بیان دوره‌های رشد ملی‌گرایی در جهان، ناسیونالیسم را یک باور سیاسی دانسته و تأثیر انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه را با مایه‌های ناسیونالیستی، بر این رویکرد برجسته می‌داند.

بخش سوم به تبیین ارتباط تقریب مذاهب و ناسیونالیسم اختصاص یافته است و به طرح تقریب و مبانی آن از دیدگاه قرآن و سنت پرداخته است. قرآن کریم، مبنای خلقت واحد و حبل الهی را از عوامل ایجاد وحدت بیان فرموده است. پیامبر ﷺ مصلحت‌بینی و پیروی از اهل بیت را مایه تحقق وحدت اسلامی می‌داند. امام علی علیه السلام نیز سیره پیامبر اکرم ﷺ را در ایجاد وحدت مهم دانسته، و به وحدت و هم‌گرایی دستور می‌دهد و از اختلاف نهی می‌کند، که با تحلیل این مفاهیم، تقریب مذاهب با دیدگاه سعادت‌محور، با اتحاد همه پیروان مذاهب، در صدد تأمین امنیت و سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها است. اما ناسیونالیسم با تکیه بر اصالت نژاد، به دنبال حرمت شکنی، اعمال زور و عصبیت‌های کور به دور از منطق و بار عقلانی است.

بخش چهارم، به تبیین آسیب‌ها و راه کارهای تحقق تقریب و وحدت اسلامی می‌پردازد. آسیب‌های تقریب به عوامل بیرونی، هم‌چون استعمارگران، هجوم فرهنگی، و نیز عوامل درونی، هم‌چون اختلاف مسلمانان، ناسیونالیسم و تعصبات مذهبی تقسیم شده است. از راه کارهای ایجاد تقریب، احترام به هم‌دیگر، تکیه بر اشتراکات دینی، توجه دادن به قرآن، نبوت پیامبر اکرم ﷺ و سیره امام علی علیه السلام می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تقریب مذاهب، غرب، پیامبر اکرم ﷺ، ناسیونالیسم، نژاد، اعتقاد، آموزه دین، وحدت اسلامی، ملیت، اسلام، عصبیت، حاکمیت، امام علی علیه السلام، جامعه، سیاست.

* کارشناس حقوق و فوق لیسانس فلسفه و کلام.

مقدمه

اهمیت مسئله تقریب بر هیچ کس پوشیده نیست و حتی عالمان پیشین، اعم از شیعه و سنی با بررسی مبانی فقهی، تفسیری، کلامی و... برای تحقق آن کوشیده‌اند، زیرا آنان به این نکته اساسی آگاه بودند که یکی از راه‌های مهم در تقریب بین مذاهب، بررسی منابع و مبانی فقه تطبیقی است. کشف این واقعیت که اختلاف زیادی میان نظریات پیشوایان مذاهب گوناگون وجود ندارد، نقش مهمی در تقریب بین مذاهب ایفا می‌کند. اما ملی‌گرایی را که مانند دیگر مباحث اصلی ایدئولوژیکی، جنجال‌های بسیاری را چه در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و چه در جامعه‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی ایجاد نموده است، می‌توان مقابل تقریب مذاهب دانست و این دو را با هم مقایسه نمود.

رشد ملی‌گرایی در خلال دو سده اخیر مرهون برخی تحولات در عرصه جهانی، هم‌چون گسترش دموکراسی، جهانی‌شدن، هم‌گرایی فزاینده بازارهای جهانی و تشکیل امپراتوری‌های استعمارگر اروپایی است. با این تحولات، نگاه کلاسیک ناسیونالیسم به تدریج رنگ باخت و انواع دیگری از وفاداری و احساس تعلق نگاه ناسیونالیستی، جای‌گزین آن شد. از تقریب مذاهب اگرچه در ظاهر، تفکر جمع‌گرایی و یکی شدن پیروان مذاهب فهمیده می‌شود، اما مثل ناسیونالیسم، بر آن است که مسلمانان می‌توانند با تکیه بر احساسات، از جمله عواطف مذهبی و ایدئولوژیکی، گرد هم آیند. ولی این برداشت درستی نیست، زیرا تقریب مذاهب به بیان دیگر همان وحدت و انسجام بشری است، و با توجه به مبانی و اهداف وحدت و تقریب در دین اسلام، تمام انسان‌ها در قالب هر دین و مذهبی، به تقریب و هم‌گرایی در راستای پیروی از خالق واحد و تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر فراخوانده شده‌اند.

بخش اول: کلیات

۱- بیان مسئله

پیروان ادیان و مذاهب مختلف در جهان، به جای این‌که با تکیه بر مشترکات دینی، مذهبی و انسانی خویش، تقریب مذاهب و یا وحدت پیروان ادیان را به وجود آورند، به اختلافات دامن زده، و نسبت به یک‌دیگر احساس برتری دارند. نگاه ناسیونالیسم آن است که هر ملت حق دارد نظام سیاسی مخصوص خود ایجاد نماید. بر اساس این، ناسیونالیسم یک باور سیاسی دانسته می‌شود که در سایه آن، مرزهای ملیتی، مشروعیت سیاسی یافته و باید با کاراکنرهای ملی، مطابقت داشته باشد.

ناسیونالیسم به معنی علایق وطن پرستی تعبیر می‌شود، که فراتر از مرزهای نژادی عمل می‌کند. نازیسم هیتلری آلمان، فاشیسم موسیلمینی ایتالیا، کشتار بی‌رحمانه صهیونیست‌ها در فلسطین و لبنان، تصفیه قومی در صربستان، بوسنی، رواندا، کنگو، و قتل عام قریب به ۶۴٪ هزاره‌های افغانستان در حکومت عبدالرحمن خان را می‌توان از نمونه‌های ناسیونالیسم افراطی دانست.

جهت دست‌یابی به راه‌حل این معضلات و رفتن به سوی تقریب دینی و مذهبی، و یا هم‌گرایی انسانی - اسلامی، ارایه پاسخ به سؤال، ذیل ضروری است:

ارتباط تقریب مذاهب و وحدت اسلامی، با ناسیونالیسم چگونه است؟

در ارایه فرضیه برای این مسئله می‌توان گفت که ناسیونالیسم با تأکید بر اصالت نژاد، وطن، قوم و...، یک حرکت سیاسی، با پیامدهای منفی بین‌المللی، متکی بر احساسات، عواطف و عصبیت‌های ناروا است، در حالی که تقریب مذاهب و وحدت اسلامی، با نفی نژاد، قوم و...، یک حرکت کاملاً ایدئولوژیکی و مذهبی است که با تأکید بر مبانی‌ای چون اصل برابری، عدالت، انصاف، تقوا و پرهیزگاری، احترام به هم‌نوع و پیروان مذاهب دیگر و اصل کرامت انسانی در صدد تشکیل امت واحده اسلامی، و در سطح کلان در پی هم‌گرایی و انسجام بر اساس فطرت انسانی در سراسر جهان می‌باشد.

در این مقاله، تقریب مذاهب اسلامی، به عنوان نمونه‌ای از هم‌دلی و هم‌گرایی نوع بشر تبیین می‌شود؛ یعنی با توجه به نسخه هم‌گرایی پیروان اسلام، تمام افراد بشر با هر دین و مذهبی با توجه به مبانی و مشترکات مسلم خود (خدای واحد، مبدأ خلقت واحد و...) می‌توانند گرد هم آمده و به صورت مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنند.

۲- مفهوم تقریب و وحدت اسلامی

تقریب یعنی نزدیک گردانیدن، و گردهم آمدن. مقصود از «تقریب» این است که علمای هر مذهب در باره مذاهب دیگر مطالعه کنند تا به این حقیقت پی ببرند که همه آنان در اصل اعتقادات (اسلام)، اشتراک نظر دارند، و با حفظ عقاید قطعی و مسلم خود در تمام زمینه‌ها موضع واحدی داشته و از توطئه‌های دشمنان اسلام غافل نباشند.

تقریب، نزدیک نمودن مذاهب به هم‌دیگر و حذف موانع روانی مصنوعی است. بنابراین، تقریب نه تذبذب است و نه تخریب؛ یعنی مقصود از آن، ذوب مذاهب در یک مذهب دیگر، و تخریب مذاهب و حمله یک مذهب به مذهب دیگر نیست. (واعظزاده خراسانی، مجله پگاه حوزه، ش ۱۳، ۱۳۸۰).

بنابراین، عالمان مذاهب اسلامی، می‌توانند با توجه به مشترکات (توحید، اسلام، معاد، نبوت و...) از راه بحث‌های علمی، کلامی، تفسیری، حدیثی، اصولی، فقهی و... و با طرح مسائل نظری اجتهادی در محیطی صمیمی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی دست یابند و آن را به همه پیروان مذاهب منعکس نمایند.

اما وحدت اسلامی به این معنا است که همه نیروهای امت، در مقام عمل موضع‌گیری واحدی در قضایا و مسایل مشترک اسلامی، مانند اجرای شریعت اسلام، یا تحقق ملاک‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، یا موضع‌گیری واحدی نسبت به تهاجم دشمن به امت اسلام داشته باشند، هر چند در مقام فکر، و در فقه و اجتهاد آزاد هستند. منظور قرآن از دعوت به وحدت نیز همین وحدت عملی است.

شیخ محمد عاشور، معاون دانشگاه الازهر مصر و رئیس کمیته گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی می‌گوید: «مقصود از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن همه مذاهب نیست... تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات رفت و باید دانشمندان هر مذهبی در گفت‌وگوی علمی خود، دانش خود را مبادله کنند، تا در یک محیط آرام بدانند، بشناسند، بگویند و نتیجه بگیرند». (اسکندری، ص ۳۲). در مفهوم وحدت اسلامی و تقریب، حفظ وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی و حفظ اصل اسلام، باید در کنار هم مورد توجه خاص قرار گیرد.

پرفسور روژه گارودی فرانسوی می‌گوید: «دلیل این که من از مسیحیت و مارکسیسم به اسلام گرویدم، این بود که اسلام برای من مفهوم جهانی‌ترین مذهب را داشت، زیرا «توحید» مفهومی جهانی دارد و فقط مفهومی برای ما نیست. این ما را به حرکت و مبارزه فرامی‌خواند... شرکت ما در این کار برای ایجاد اتحاد، یک وظیفه بسیار بزرگ است. البته منظور از اتحاد، اتحاد امپریالیستی، که آمریکا می‌خواهد، نیست. پیروان مذاهب قبلی، پیامبران دیگر را در دوران خودشان نفی می‌کردند؛ یهودیان حضرت مسیح علیه السلام را قبول نمی‌کردند، مسیحیان نیز حضرت محمد صلی الله علیه و آله را نمی‌پذیرفتند؛ اما قرآن به ما تکلیف می‌کند و می‌آموزد که به همه پیامبران قبل هم‌چون حضرت موسی علیه السلام و حضرت مسیح علیه السلام و... و به شریعت آنها احترام بگذاریم. به همین دلیل، نظر من آن است که مسلمانان می‌توانند هسته اصلی این اتحاد جدید باشند... ما می‌توانیم نقش اول و برجسته را برای اتحاد در سطح کل جهان داشته باشیم، به شرط این که بر اختلافات خودمان انگشت نگذاریم و آنها را ترویج نکنیم، بلکه در نقاط مشترکی که میانمان وجود دارد، تعمق کنیم. (گارودی، فصلنامه معرفت، ش ۲۴، ۱۳۷۷).

۳- پیشینه تقریب و هم‌گرایی

الف) پیشینه تاریخی تقریب و وحدت اسلامی

وحدت و هم‌گرایی با پیدایش انسان و روحیه اجتماعی او عجین است. وحدت با تشخیص عقل ضرورت می‌یابد، از این رو به حکم عقل، برای زندگی بهتر، وحدت و زندگی هماهنگ با دیگران، به طور دائم در اندیشه بشر وجود داشته است. زندگی قبیله‌ای بشر در قدیم و رضایت عمومی از یک حاکمیت را می‌توان نوعی اتحاد به حساب آورد. آنها جهت تأمین امنیت و حقوق خویش، امور خود را به مرجع و قدرتی واگذار می‌کردند. از نظریه‌پردازان قرارداد اجتماعی در عهد قدیم می‌توان از افلاطون و در عصر جدید از توماس هابز، ژان ژاک روسو، جان لاک و... نام برد.

سابقه وحدت اسلامی به آغاز دین اسلام برمی‌گردد که میان صحابه رسول خدا اختلاف و منازعه پیدا می‌شد و قرآن، مسلمانان را از آن منع می‌کرد، از جمله آنها، نزاع مربوط به جنگ احد می‌باشد، که خداوند در این باره در سوره آل عمران می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

در سال ۱۳۲۷ ه. ش، در قاهره جمعیتی به نام «جماعة التقريب بين المذاهب الاسلاميه» تشکیل شد. آنها مرکزی را به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» تأسیس نموده و مجله‌ای هم به نام رساله‌الاسلام منتشر کردند. مؤسسان آن از شخصیت‌های معروف جهان اسلام، مانند شیوخ اساتید الازهر، از جمله شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد محمد مدنی رئیس دانشکده شریعت در الازهر امام سید عبدالحسین شرف‌الدین، علامه سید حسین بروجردی مرجع عالی شیعیان جهان و استاد علامه شیخ محمد تقی قمی دبیر دائمی دارالتقريب، بودند. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم «کاشف الغطاء» از این مرکز حمایت فکری و مالی می‌کردند.

از امتیازات مهم این حرکت، گرایش عالمان بزرگ به آن و نداشتن صبغه سیاسی بود. امتیاز دیگر آن جای‌گزینی اصطلاح «تقریب» به جای «وحدت» بود. این عبارت، نشان‌گر آن بود که:

اولاً، این کار جنبه فرهنگی و علمی دارد و تا وقتی که تفاهمی بین عالمان اسلام و پیشوایان مذاهب پیدا نشود، نمی‌توان مسلمانان را به وحدت دعوت کرد، زیرا چنین وحدتی، در حالی که تفاهم و تقریبی ایجاد نشده، وحدت صوری و سیاسی است و ثمره‌ای در پی ندارد.

ثانیاً، نشان می‌داد که هدف بنیان‌گذاران این حرکت، انحلال و یا ادغام مذاهب نیست، بلکه مقصود این است که مذاهب، با حفظ استقلال و ماهیت خود، به یک‌دیگر نزدیک شوند.

اصول این حرکت بر مسایل اصلی اسلام که مورد اتفاق همه مسلمین است متکی بود، و مؤسسان آن به خصوص بر روی فقه تکیه می‌کردند و مدعی بودند که فقه، مذاهب مهم موجود،

مانند مذهب شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی، جعفری و زیدی را از هم جدا کرده است. البته اختلافات عقیدتی بین مذاهب دیگر با شیعه در مسئله امامت وجود دارد؛ چنان که در مذاهب اهل سنت نیز در مسایل عقیدتی اختلافاتی به چشم می‌خورد؛ گروهی گرایش اشعری و گروه دیگر گرایش اعتزال دارند، اما هیچ یک از اختلافات عقیدتی، باعث ایجاد مذهب نشده است و کسی نمی‌گوید فلان قسمت عالم اسلام اشعری هستند یا اعتزالی، بلکه تقسیمات برحسب فقه است. از این رو، تکیه بر تقریب در محدوده فقه مذاهب، کار پسندیده‌ای بود. (ماهنامه پیام حوزه، شماره ۱۳، مصاحبه آیت الله واعظزاده خراسانی).

ب) پیشینه فرهنگی تقریب مذاهب

در آغاز غیبت کبری، فقیه نامی شیعه شیخ طوسی، کتاب ارزشمند «الخلافا» را به رشته تحریر آورد و به این ترتیب، زمینه‌های فقه تطبیقی و فقه مقارن، میان مذاهب اربعه، وجود خارجی پیدا کرد. پس از آن، دانشمندان بزرگی هم‌چون علامه حلی - با نگارش کتاب «تذکره» - راه شیخ طوسی را پی‌گرفتند. در این عصر نیز، آیت الله سید عبدالحسین شرف‌الدین در لبنان، آیت الله بروجرودی و شیخ محمد تقی قمی در ایران، و شیخ محمود شلتوت و شیخ محمد مدنی در مصر ادامه دهندگان این راه بودند. در قرون بعدی نیز مصلحان و اندیشمندانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء، شیخ محمد عبده و... با به صحنه اجتماعی و سیاسی گذاشته و ندای اتحاد مسلمانان سر دادند.

تاریخچه تقریب در بعد علمی، فرهنگی و عقایدی به اواخر سده سوم و پس از آن باز می‌گردد. عالمان مسلمان در آن زمان، اهمیت مسئله را درک کرده و بر آن بسیار تأکید نمودند. تقریباً از اواخر سده سیزدهم به بعد، چند تن از علمای بزرگ اسلامی، مسلمانان را به وحدت دعوت کردند که شاخص‌ترین آنها، مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او می‌باشند.

تألیف کتاب «الخلافا» شیخ طوسی، که در آن نظریات و آرای علمای فریقین بدون تعصب و برای بیان روش فقهی در استنباط احکام در سده چهارم و پنجم گردآوری گردیده بود، در همین راستا ارزیابی می‌شود. هم‌چنین، «مجمع البیان» مرحوم طبرسی کتابی بود که توسط علامه فقید شیخ محمود شلتوت به عنوان بهترین تفسیر به دارالتقریب پیشنهاد شد و با پاورقی‌های علمای الازهر چاپ و به عنوان تفسیر قرآن تمام مذاهب معرفی گردید.

کتاب «لواء الحمد» امام سید صدرالدین صدر (پدر امام موسی صدر) نیز تلاشی بود برای

گردآوری تمام روایاتی که فرقه‌های مختلف اسلامی در زمینه‌های مختلف اعتقادی و فقهی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند تا علاوه بر قرآن کریم، منبع قابل اعتماد دیگری فراروی مسلمانان بوده، زمینه‌ساز وحدت سنت پاک پیامبر اکرم ﷺ شود. بزرگان دیگری نیز در این مدت در پیرامون فقه و مذاهب اسلامی آثار ارزنده‌ای ارائه نمودند. سپس موج موسوعه‌نویسی (دایرةالمعارف نگاری) آغاز شد. «الموسوعة الفقهية» از دانشگاه دمشق، «موسوعة عبدالناصر للفقهاء الاسلامی»، از دانشگاه الازهر، و تلاش‌های آغاز شده در دانشگاه کویت برای تکمیل الموسوعة الفقهية نمونه‌هایی از این موج نوین بود. سید محمد تقی حکیم، رئیس دانشکده فقه در نجف اشرف، نیز کتابی گرانسنگ درباره اصول فقه مقارن تألیف کرد.

دستاوردهای این تلاش‌های سازنده به مرور در فتوهای فقهی اسلام بروز و ظهور یافته و نشان داده است که دست‌یافتن به وحدت فقهی چندان هم دور از انتظار نیست. (فصلنامه هفت آسمان، شماره ۷، ۱۳۷۹ ش) بنابراین، آثار و فعالیت‌های مورد اشاره را می‌توان از پیشینه‌های فرهنگی و علمی تقریب مذاهب برشمرد.

۴- اهداف تقریب مذاهب

هدف از وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، این است که مسلمانان، خود را امت واحده بدانند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲). معنای اخوت اسلامی، که قرآن بر آن تأکید نموده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است.

اهداف تقریب مذاهب به طور مختصر عبارت است از:

۱. رسیدن به رستگاری در زیر لوای توحید، با توجه به منبع خلقت واحد و خالق واحد؛
۲. رفع اختلاف، درگیری و نزاع: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا...؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) مکنید...» (انفال/۴۶)؛
۳. آشنایی بیشتر علمای مذاهب از هم‌دیگر و پیدا کردن زمینه‌های مشترک، و تلاش برای توسعه این زمینه‌ها؛ ما مأمور هستیم زمینه‌های مشترک بین ادیان را پیدا کنیم. از این رو طبق آیه شریفه «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴) به طریق اولویت، باید زمینه‌های مشترک بین مذاهب اسلامی را پیدا نموده و آنها را توسعه دهیم (مجله نگاه حوزه، پیشین)؛
۴. تقریب توده‌های مسلمان؛ هدف تقریب، رفع سوء تفاهمات و شبهاتی است که در بین مذاهب مطرح است؛

۵. پیروزی در امور دنیوی و اخروی و تقویت جامعه اسلامی در برابر تهدیدات دشمن و جلوگیری از تجاوز آنان؛

۶. به وجود آمدن مرکز قدرت سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و... توسط مسلمانان در جهان.

۵- ضرورت وحدت و تقریب مذاهب

مؤلفه‌هایی چون: اصل برابری، اصل عدالت، اصل انصاف، خدمت به انسان، اقتضای شرایط و زمان، جلب منافع مسلمین، منافع ملی، توجه به ارزش‌های انسانی و... ضرورت وحدت اسلامی و تقریب مذاهب را به تصویر می‌کشند. در ذیل به گوشه از آنها اشاره می‌شود:

۱- فراهم شدن زمینه شناخت مبانی و منابع اجتهادی (استحسان، مصالح مرسله و...) که پس از عصر تشریح به وجود آمد و باعث اختلاف آرا شد؛

۲- فراهم شدن زمینه دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد گوناگون، از راه تبادل افکار و اندیشه‌های مختلف عالمان مذاهب اسلامی؛

۳- نزدیکی آرا و دیدگاه‌های عالمان اسلامی در بیشتر مسایل نظری و اختلافی در ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، فقهی و...؛

۴- تبدیل دشمنی‌ها به دوستی و دور شدن انگیزه‌های غیرعلمی در مقام تحقیق و پژوهش؛

۵- وحدت و تقریب مذاهب، فراهم کننده قدرت حقیقی مسلمانان، و موجب الگو شدن دیدگاه‌های اسلامی در جهان است؛ (حکیم، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۱).

۶- وحدت، دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (پیشین، ص ۱۱۷).

۶- چیستی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی

ناسیونالیسم در غرب مشتق از Nation به معنای «ملت» است. ناسیون از Nascence به معنای «زاده شدن» گرفته شده که از قرن ۱۳ میلادی معمول بوده و به گروهی از مردم که زادگاه یکسانی داشتند اطلاق می‌شد، اما در قرن ۱۶ میلادی ناسیونالیسم به واحد سیاسی تبدیل شد و کاربرد آن از اواخر قرن ۱۸ آغاز گردید. (Andrew Heywood, 1998: P 152) امروزه ناسیونالیسم (Nationalism) برگرفته از ملت، به معنی ملی‌گرایی و نژاد پرستی است. (نوروزی، ۱۳۸۰ ش، ص ۸۲). ناسیونالیسم به معنای علایق وطن پرستی یا نژادپرستی نیز شناخته می‌شود؛ به این تعبیر که به فرد، افراد، گروه،

احزاب و یا کشوری از نظر روانی عاطفی این حس دست می‌دهد که از دیگران به هر دلیلی برتر است و دیگران باید در راه بقای آنها قربانی شوند. آنها در راه تحقق این اهداف از هیچ ظلمی علیه جامعه بشری فروگذار نمی‌کنند. طرفداران این ایده بر اصالت ملت و نژاد تکیه دارند. بر اساس این، ناسیونالیسم با اصالت دادن به واحدهای «ملی» و نژادی، یک ایدئولوژی سیاسی و بنیاد فکری، نظری و عملی یک ملت محسوب می‌شود.

در مراکز آکادمیک و علمی، تعریف یک‌دستی از ناسیونالیسم، ارایه نشده است (Kedourie, Elie, 1995)، زیرا این ایده بدون پشتوانه عقلانی و متکی بر احساسات و عواطف، در رویکردهای مختلف در علوم سیاسی و روابط بین الملل، جامعه‌شناسی سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی و... مطرح گردیده است. ناسیونالیسم یک باور سنتی سیاسی می‌باشد که براهمیت هویت ملیتی تأکید می‌کند. از این دیدگاه، هرملیت یک واحد ارگانیک تلقی می‌گردد که این واحدها، پاره‌ای از خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری خود را در گذر تحولات زیستی کسب کرده‌اند. (www.anus.com). اما از دید مارکس، ناسیونالیسم مثل منافع طبقه برژوا می‌باشد که در خدمت این طبقه به کار می‌رود. (Ernest, 1997). اصطلاح ملی‌گرایی که یک اصطلاح نسبتاً جدید و مربوط به دوران معاصر می‌باشد از کلمه «ملت» گرفته شده است که از کلمات عربی بوده و هفده بار در قرآن مجید به کار رفته است.

در یک تعریف آمده است: «احساس عمیق و وابستگی به میهن و وفاداری مطلق به آن و احساس سهیم بودن در سرنوشت آن، اساس ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم آنگاه اصیل است که هیچ عامل دیگری در راه وفاداری انسان به میهن و سرزمین حائل نگردد.» (اسکندری: www.ariaye.com).

۶-۱ چیستی ملت، ملیت

«ملت» در لغت به معنای راه و روش، دین، شریعت و مذهب می‌باشد. ولی امروزه Nation به اشتباه به ملت معنا شده که برخی سیاسیون معاصر، همان معنی غربی آن (Nation به معنای ملت) را اراده می‌کنند (معظم‌پور، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۵) که مرجع اشتباهات زیادی گردیده است. واژه «ملت» در علم سیاست چنین تعریف شده است: «دستجات و گروه‌های انسانی که به وسیله‌ی عناصر مختلف در نظام تاریخی (زمان)، جغرافیایی (مکان)، و اقتصادی (فعالیت برای ادامه حیات) و احیاناً عناصر زبانی و نژادی وحدت یافته‌اند و این عناصر عینی و مشهود، موجب پیدایش آرزوها و سرنوشت مشترک گردیده است.»

اصطلاح «ملیت» را گاهی معادل کلمه «ملت» و گاهی هم برای «قوم» به کار می‌برند. کلمه

«ملیت» که ترجمه انگلیسی (Nationality) است به حق شهروندی یا تابعیت افراد نسبت به یک کشور برمی‌گردد، که در مؤلفه‌های زیر با هم شریک‌اند: ۱. سرزمین مشترک؛ ۲. تاریخ مشترک؛ ۳. فرهنگ مشترک (زبان، اعتقادات، مذاهب، عادات، کنش و واکنش‌های مشترک)؛ ۴. روابط اقتصادی (موجودیت مناسبات اقتصادی پیشرفته، مثل بازار ملی).

۲-۶ پیشینه ناسیونالیسم

اصطلاح ناسیونالیسم اولین بار در سال ۱۷۸۹ توسط آگوستین باررائیل (Augustin Barraail) کشیش ضد انقلابی فرانسوی استعمال شد (Heywood, ibid) و کم‌کم ناسیونالیسم به شکل دکترین سیاسی در آمد، و ناسیونالیسم استقلال طلب، در ابتدای قرن ۲۰ شکل گرفت. (آصف، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۸-۷۳). ناسیونالیسم به عنوان یک دکترین سیاسی، در آغاز سال ۱۸۰۰ میلادی در اروپا تولید یافته و به تدریج وارد ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی گردید. ریشه‌های ناسیونالیسم به‌عنوان یک باور سیاسی، با انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) گره می‌خورد که شیرازه اصلی آن از مقاومت مردم ستم دیده علیه حاکمیت ستم‌گر شکل گرفت و با همین گرایش ابتدا در اروپا و پس از آن در آمریکای لاتین گسترش یافت.

بخش دوم: نقد و تبیین ناسیونالیسم و ملی‌گرایی

۱- سیر رشد و تکامل ناسیونالیسم

دوره‌های ذیل در چگونگی رشد ناسیونالیسم در تاریخ مورد توجه قرار گرفته است:

۱. انقلاب کبیر فرانسه که ایدئولوژی ناسیونالیستی از آن زاده شد؛
۲. جنگ جهانی اول و دوم و گسترش استعمارگری؛ هانس کوهن می‌گوید: «ناسیونالیسم حاصل پیدایش خودآگاهی و خوداتکایی جوامع به بلوغ رسیده، در جهت حرکت به سوی پدیده «ملت سازی» است؛ (Hans Kohn 1967: P 76)
۳. شکست نظام سرمایه‌داری دولتی (کمونیستی) بلوک شرق و رشد ملی‌گرایی و استقلال اقلیت‌های ملی شوروی سابق؛
۴. اعتراضات مبنی بر رسمیت‌شناسی حقوق و خودمختاری از دهه ۱۹۶۰ به بعد که از آن جمله می‌توان به اعتراضات باسکها (Basques) در اسپانیا و اعتراضات مسیحیان کاتولیک در ایرلند شمالی، اسکاتلند و بلژیک اشاره کرد؛
۵. تأثیرات لیبرالیسم غربی و توجه دولت‌ها و جوامع به دموکراسی؛
۶. فرآیند جهانی شدن و رشد مکتب اومانیسیم و انسان محوری.

ملّی‌گرایی از ابتدای شکل‌گیری خود در اواخر قرن هجدهم به صورت یک ایدئولوژی در آمد و به تدریج در سرتاسر گیتی گسترش و مقبولیت یافت. اروپا در اوایل قرن نوزدهم شاهد تکوین ملّی‌گرایی در یونان، آلمان، ایتالیا و ایرلند بود و سپس دامنه این موج به امپراتوری‌های چند قومی اتریش، مجارستان، پروس، روسیه و عثمانی نیز رسید. فشارهای خارجی و داخلی باعث شد تا این امپراتوری‌ها به تدریج در برابر استقلال‌طلبان سرتسلیم فرود آورند و به دنبال جنگ جهانی اول، تمامی این چهار امپراتوری فرو ریختند و کشورهای مستقل متعددی از دل آنها پدیدار گردید.

اساس پیدایش ناسیونالیسم، ضرورتی بود که در سده ۱۸۰۰ میلادی وجود داشت. این ضرورت و ایدئولوژی تازه به برخی از کشورهای اروپایی و استعمارگر اجازه می‌داد که از طریق جنگ و کولونیالیسم به کشورهای دیگر پا بگذارند. ایدئولوژی ناسیونالیسم تعریفی تازه برای مشروعیت بخشیدن به نوعی دیگر از ظلم استعماری و ستم ملی در جهان بود. همین اصل تنازع بقا، اساس فکری ایدئولوژی نازیسم شد که قصد داشت با جنگ و نابودی ملت‌های دیگر، برتری ملت خود را نشان دهد. ناسیونالیسم اگر از محدوده یک کشور خارج شود امپریالیسم مستقیم و یا غیر مستقیم شکل می‌گیرد، اما اگر محدود در یک کشور باشد، حکومت توتالیتر را شکل می‌دهد (ستوده، جزوه درسی دانشگاه مفید). ناسیونالیسم نازیسم هیتلری نشان داد که به صورت مستقیم در صدد توسعه امپریالیسم در جهان می‌باشد.

۲- گونه‌های ناسیونالیسم و ملّی‌گرایی

الف) ناسیونالیسم منفی

اگر ناسیونالیسم از یک علاقه ساده طبیعی به وطن و ملیت فراتر رفته و به عنوان یک ایدئولوژی و آرمان عقیدتی و اجتماعی و به منزله یک شبه مذهب در آید و منافع، حقوق و مصالح ملت‌ها و کشورها را نادیده بگیرد و امتیازات را در انحصار ملت، قوم و مذهب خود بداند، ناسیونالیسم منفی و مخرب است که باعث گسترش ظلم و ستم و بی‌عدالتی و جنگ و جدایی بین ملت‌ها، قباایل و مذاهب مختلف می‌گردد.

۱- ناسیونالیسم توسعه طلب؛ درون‌مایه گرایش توسعه طلبانه ناسیونالیسم، نشان از نظامی‌گری، توسعه‌طلبی و خودکامگی جمعی نسبت به دیگران دارد، که این امر کاملاً با خود مختاری ملی مغایرت دارد. (ماتیل، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۳۴-۶۶۶)

۲- ناسیونالیسم انحصارگرا؛ ناسیونالیسم انحصارگرا (Exclusivist) نوعی از ناسیونالیسم است که

به دلایل مذهبی، نژادی، قومی و...، کسانی را که در طبقه‌بندی‌های مقرر مربوط به واجد شرایط بودن قرار نمی‌گیرند، از امتیاز شهروندی کامل و امتیازات دیگر محروم می‌نماید. (برگرفته از: پیشین، ص ۲۷۱).

۳- ناسیونالیسم وحدت خواه؛ این نوع ناسیونالیسم کشورهای موجود را قطعات اشغال شده قلمروی ملی تلقی می‌کند و در صدد یک‌پارچگی گروه خود برای رهای از اشغال حاکمان موجود در کشورها می‌باشد.

۴- ناسیونالیسم جدایی طلب؛ دولت موجود را یک قدرت امپریالیستی می‌داند، و خواهان جدایی قلمروی ملی از آن دولت، و تشکیل یک دولت ملی است.

۵- ناسیونالیسم قومی؛ این رویکرد از ناسیونالیسم، قومی را در جنبش ملی که برای برقراری حاکمیت دولتی یا حفظ آن می‌کوشد، بسیج می‌کند. چنین جنبشی معمولاً بر روابط خویشاوندی، خاطره‌های جمعی، هدف‌ها، زبان، فرهنگ و دین قومی، و پیوند با قلمروی خاص برای تشکیل یک اجتماع سیاسی ملی، متکی است (پیشین، ص ۵۷۶).

۶- ناسیونالیسم مدنی؛ این مفهوم عبارت است از التزام به «خود مختاری» همگانی توسط توده مردم، صرف نظر از قومیت، مذهب، یا هرگونه تفاوت فرهنگی دیگر مانند زبان یا گویش محلی. (پیشین، ص ۲۷۱).

۷- ناسیونالیسم لیبرال؛ علاوه بر تأکید بر اصول آزادی، برابری و برادری، از خودمختاری گروه‌های خاصی هواخواهی می‌کند، که خود را متفاوت از افراد و گروه‌های یک کشور یا امپراتوری می‌شمارند. این پدیده در ایتالیا، آلمان و شوروی به ملی‌گرایی افراطی، نژاد پرستی و برتری ایدئولوژی و حزب خاص انجامید. (پیشین، ص ۴۳۴-۶۶۶).

ب) ناسیونالیسم مثبت

اگر ملی‌گرایی به معنای محبت و علاقه مندی به سرزمین، ملیت، قوم، قبیله و مذهب خویش باشد بدون آن‌که احساس جدایی و برتری از دیگران داشته باشد و به تبعیض و تزییع حقوق دیگران منجر نگردد، و به منافع و آزادی‌های دیگران احترام گذاشته و حق حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت خود را به رسمیت بشناسد امری مطلوب و معقول می‌باشد و چنین احساسات پاک، ساده و بی‌آلایشی باعث تحکیم روابط ملت‌ها و هم‌بستگی بیشتر میان مردم یک سرزمین می‌گردد، که از آن می‌توان به عنوان وحدت ملی یاد کرد.

۱- ناسیونالیسم ضد استعمار؛ بعد از تولد ناسیونالیسم در اروپا کم‌کم این مفهوم تحت تأثیر امپریالیسم تبدیل به یک پدیده جهانی شد، که محرک اصلی پیدایش این نوع گرایش، حکومت‌های استعماری بودند.

۲- ناسیونالیسم اصلاح طلب؛ این رویکرد قلمروی دولت موجود را به عنوان محدوده قلمرو ملی قبول می‌کند و آن‌چه مورد اختلاف است، میانی غیر ملی مشروعیت و حاکمیت دولت است. (ماتیل، ج ۲، پیشین، ص ۴۹۳) البته این به همان اندازه که حاکمیت دولت موجود را می‌پذیرد مثبت است، اما امروزه به خاطر دخالت بسیاری از عوامل غیر ملی در تشکیل حکومت مشروع، اختلاف در میانی غیر ملی، ایده منفی خواهد بود.

۳- ناسیونالیسم محافظه کار؛ این رویکرد بدان جهت مثبت قلمداد می‌شود که در پی حفظ وضع موجود است، اما با گرایش ترمیم وضعیت با توجه به خواسته‌های گروه و یا حزب خاصی؛
۴- ناسیونالیسم ملی؛ این گرایش با ترویج ملی‌گرایی به معنای میهن دوستی با حفظ حرمت و حقوق دیگران، نه تنها مذموم نیست بلکه می‌تواند باعث ایجاد باورهای مشترک در جهت شکل‌گیری و استحکام یک ملت گردد و از همه مهم‌تر در هنگام خطر، این عامل موجب می‌گردد که مردم برای دفاع از موجودیت و هویت ملی خویش تلاش و مجاهدت نمایند.

۳- مبانی نظری ناسیونالیسم

اساس تفکر این جریان را یک باور افراطی با تکیه بر عصبیت، احساسات عاطفی و غیر منطقی سامان می‌دهد. در میانی و جانمایه‌های ناسیونالیسم، پایه‌های نظری و میانی اومانیستی و انسان‌شناختی غرب، کاملاً مشهود است که در آن رویکرد، خدا در همه حال غایب است و اعتقاد به عظمت و بزرگی یک نژاد، قوم، منطقه، حزب و یا کشور خاص شعار اساسی آنان است. از این رو، ممکن است ناسیونالیسم رنگ مکاتب و نحله‌های متنوع را به خود بگیرد.

الف) برتر دانستن نژاد، قوم، کشور، مذهب و ملیت خود، و قرار دادن نژاد به جای دین؛

ب) تفکر جدایی دین از سیاست؛

ج) احترام در حد پرستش افراد ملی تاریخی، و تقدس بخشیدن افراطی و متعصبانه به نشانه‌های

ملی و مذهبی؛

د) بیگانه ستیزی، فقط معیار قرار دادن عنصر ملی، و باستان ستایی افراطی؛

ه) وطن پرستی و تفاخر ملی و احیای مظاهر باستانی و تفاخر به آن؛

ی) پذیرش نظام پادشاهی، پاتریمونیا و پدر سالاری. (معظم‌پور، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۴).

۴- آثار و پی آمدهای ناسیونالیسم و ملی‌گرایی

الف) آثار منفی ناسیونالیسم

۱- محدودیت در همکاری‌های بین‌المللی؛ ۲- مانع پیشرفت‌های سیاسی اقتصادی؛ ۳- جو زور، ایجاد خطر امنیت ملی؛ ۴- ملی‌گرایی ضد اخلاق؛ ۵- ملی‌گرایی، جنبش مادی؛ ۶- ملی‌گرایی منشأ جنگ‌ها؛ ۷- تعمیم غیرمنطقی؛ ۸- انحطاط اندیشه؛ ۹- فساد ملی‌گرایی در عرصه علمی؛ ۱۰- بیماری نژادپرستی.

ب) آثار مثبت ناسیونالیسم

۱- مشروعیت کشورها؛ ۲- تبلور اصول دموکراتیک؛ ۳- اهمیت روان‌شناختی؛ ۴- شکوفایی خلاقیت‌ها.

۵- نقد ناسیونالیسم

در نقد این ایده، می‌توان گفت که ناسیونالیسم با تکیه بر اصالت نژاد، قوم و ملیت خاص، بیشتر ترویج‌کننده خشونت، ظلم و تجاوزگری می‌باشد، و بعضی صاحب‌نظران آن را وسیله استعمار و کارگشی از مظلومین دانسته‌اند.

الف - امام خمینی علیه السلام ایدئولوژی مبتنی بر قوم‌مداری یا نژادگرایی و منطقه‌گرایی را بازی کودکانه و علت بسیاری از مشکلات جوامع بشری ذکر می‌کند. ایشان در مقابل، عناصر فکری و فرهنگی را عوامل اصلی هویت‌بخشی می‌داند، و از یک واحد کلان اجتماعی مبتنی بر فرهنگ، با نام «أمت» به عنوان پایه‌ای برای ایدئولوژی جمعی و هویت‌بخشی به انسان‌ها نام می‌برد. (خمینی، ۱۳۷۶ش، ص ۸۵).
ب - رابیندرانات تاگور می‌گوید: «آرمان انسان در مقام موجود اجتماعی باید عاری از خودپسندی باشد؛ در حالی که آرمان ملی‌گرایی شوونیسم و روابط خصمانه است». (جهانبگلو، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰). وی می‌گوید: «ملی‌گرایی میان انسان‌ها جدایی می‌افکند و خصومت می‌آفریند و احساسات برتری‌جویی را میان اقوام رواج می‌دهد». (Rabindaranat Tagore, Reminiscecec, New Delhi, p.122.)

بخش سوم: نگرشی بر ارتباط تقریب مذاهب و ناسیونالیسم

این بخش به تبیین و بررسی علمی دو مقوله می‌پردازد: ۱- مطالعه وحدت و تقریب مذاهب با توجه به متون و آموزه‌های دین اسلام، با رویکرد تطبیقی به ناسیونالیسم. ۲- ارزش‌ها در اسلام و ناسیونالیسم.

الف) تبیین وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

تقریب مذاهب، نسبت به وحدت، در محدوده‌ای کوچک‌تر مطرح می‌شود؛ به عبارت دیگر، تقریب، مقدمه وحدت اسلامی است. وحدت یک اصل دینی است، از این رو برای رسیدن به آن، قافله وحدت‌گرایی، به تقریب مذاهب تغییر نام یافت. بنابراین در این قسمت مبانی وحدت، نگرش قرآن و سنت به هم‌گرایی و تقریب مذاهب بررسی می‌گردد.

۱- مبانی تقریب مذاهب اسلامی

۱-۱- مبانی الهی و انسان‌شناختی

۱- بنده بودن انسان و خدا محوری: ایمان به یگانگی خداوند متعال (توحید)، نبوت حضرت محمد ﷺ، قرآن کریم، مفاهیم و احکام آن، سنت، معاد و مسلمات دین چون نماز، روزه و... ملاک صفت مسلمانی افراد است، که تقوای الهی را در پی داشته، و فضیلت انسان‌ها، فقط با همان مقوله قابل اندازه‌گیری است. در این راستا تحلیل انسان‌شناختی دین اسلام، این است که تنها تقوا و پرهیزگاری انسان، عامل برتری او دانسته شده، نه نژاد، قوم و یا خصوصیات دیگر. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (حجرات/۱۳).

۲- دین اسلام: تنها مسیر اعتلای انسانیت می‌باشد و انجام وظایف طبق دستورات الهی به عنوان مسئولیت مشترک همه انسان‌ها مورد تأکید پروردگار قرار دارد.

۳- وحدت در خلقت، زیربنای وحدت: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء/۱). علامه طباطبایی و فخر رازی معتقدند مراد از «نفس واحده» در آیه شریفه، حضرت آدم عليه السلام و مراد از «زوجها»، همسرش حوا است که این دو والدین انسان‌ها هستند و خلقت حوا نیز از آدم عليه السلام است. (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۸، ص ۱۳۵؛ رازی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۶۷). رشید رضا نیز می‌گوید: در این که آن «نفس واحده» کیست، اقوال مختلفی است، اما منافاتی ندارد که مراد حضرت آدم عليه السلام باشد. (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۲۳-۳۲۶). انسان‌ها وحدت در خلقت دارند، چون خداوند آنها را از «نفس واحده» آفریده است. (طباطبایی، پیشین؛ رازی، پیشین، ص ۶۴).

۴- فضایل انسانی: عمل به ارزش‌ها و فضایل انسانی چون عدالت، تقوا، محبت...؛ در قرآن آمده است. «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال/۱).

۱-۲- مبانی معرفت‌شناختی تقریب مذاهب

۱. قرآن: قرآن مجید و سنت شریف نبوی دو منبع اساسی قانون‌گذاری در اسلام می‌باشد و همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند.

۲. ولایت: وجه مشترک اهل سنت و تشیع و یکی از عوامل وحدت شیعه و سنی است، چون ولایت یکی از سنت‌های نبوی است و در قرآن نیز بر محبت ذی‌القربی تأکید شده است.

۳. مشروعیت اجتهاد و آزادی بحث و بررسی: اسلام راستین با به رسمیت شناختن اصل اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی، اختلافات فکری را پذیرفته است، از این رو بر مسلمانان لازم است که تنوع اجتهادها را امری طبیعی دانسته و به رأی دیگران احترام بگذارند.

۲- تقریب و هم‌گرایی اسلامی از نگاه قرآن

۱-۲- وحدت و تقریب مایه نعمت و الفت انسان‌ها

۱- «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و نعمت خدا را به خود یاد کنید؛ آن‌گاه که دشمنان یک‌دیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت تا به لطف او برادران هم شدید». (انفال/۴۶) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» در حقیقت مؤمنان با هم برادرند» (حجرات/۱۰). مراد از «وحدت انسان‌ها» این است که با حفظ اختلافات، نسبت به هم، همدلی پیدا کنند.

۲- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اٰخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...» و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند و برای آنان عذاب سنگین است». (آل عمران/۱۰۵).

۳- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» و این امت شما، امت یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید». «امت» به معنای هر گروه و جمعیتی است که جهت مشترکی آنها را به هم پیوند دهد. (انبیاء/۹۲).

۵- «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِلَّا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا...» بگو: ای اهل کتاب! بیایید... جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...» (آل عمران/۶۴). این آیه، به قدر مشترک بین مسلمانان و اهل کتاب، یعنی توحید اشاره کرده و آن را مایه اتحاد و یک‌پارچگی ادیان گوناگون معرفی نموده است.

۲-۲- حبل الله، عامل وحدت جامعه انسانی و اسلامی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا... فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید و پراکنده نشوید...» (آل عمران/۱۰۳). خداوند در این آیه حبل الهی را از عوامل اصلی ایجاد وحدت، بیان می‌نماید. یکی از مهم‌ترین مصادیق حبل‌الله، قرآن کریم است. روایتی از پیامبر ﷺ حبل‌الله را به قرآن تفسیر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶۹؛ التبیان، ج ۲، ص ۵۴۵). دومین مصداق، وجود شریف پیامبر ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ می‌باشند. (طباطبایی، پیشین).

۳- تقریب و هم‌گرایی اسلامی از نگاه سنت

۳-۱- حضرت پیامبر ﷺ و هم‌گرایی اسلامی

سیره چهارده معصوم ﷺ محور وحدت جامعه اسلامی قلمداد شده است: «فَأَنْتُمْ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَائْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ؛ شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما نعمت (الهی) کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است. (کلینی، ج ۱، ص ۴۴۶).

پیامبر ﷺ با ورود به مدینه، به رفع اختلافات «اوس» و «خزرج» همت گمارد و به تنازعات و درگیری‌های قبیله‌ای پایان داد، و با یک اقدام عملی، با انجام عقد اخوت، الفت قلبی ایجاد نمود. ابن اسحاق می‌گوید: «... و آخری رسول الله ﷺ بین اصحابه من المهاجرین والانصار فقال: تَأْخُوا فِي اللَّهِ اخْوِينَ اخْوِينَ ثُمَّ اخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ هَذَا اخِي؛ پیامبر ﷺ میان مهاجر و انصار، برادری قرارداد و به آنان فرمود: در راه خدا، دو به دو، عقد اخوت ببندید و خود، با علی ﷺ مؤاخات نمود.» (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۰). ایشان در سال هشتم هجرت، فرمود: «خداوند... سستی جاهلیت و تفاخر قومی و عشیره‌ای شما را از بین برد،... بهترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.» (وافی، ج ۹، ص ۱۸).

۳-۲- حضرت امام علی ﷺ و هم‌گرایی اسلامی

۱- تأکید علی ﷺ به نقش رسول اکرم ﷺ در ایجاد وحدت و اخوت بین مؤمنین؛ «قَدْ صُرِفَتْ نَحْوُهُ أَفْتَدَةُ الْإِبْرَارِ وَ تُنِيتُ إِلَيْهِ أَرْمَةُ الْإِبْصَارِ...؛ خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد، شعله‌های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود، دل‌ها را با هم الفت داد...» (کلینی، ج ۱، ص ۱۴۱).

۲- وحدت در پرتوی اخلاق؛ «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ دل‌های مردم طبعاً

بیگانه و وحشی است، هر کس با آنها الفت پیدا کند به او روی می آورد. (پیشین، ص ۴۷۷). «خالطوا الناس مخالطةً إن مِثْمَ معها بکوا علیکم، و إن عِشْتُمْ حَتَّوْا الیکم؛ با مردم به گونه‌ای آمیزش کنید که اگر مردید بر شما بگریند، و اگر ماندید، قلباً به شما بگروند.» (پیشین، ص ۴۷۰).

۳- دستور به دوری از اختلاف؛ علی علیه السلام می فرماید: «... والیهم واحد و نبیهم واحد، و کتابهم واحد أفأمرهم الله سبحانه بالاختلاف فأطاعوه أم نهأهم عنه فَعَصَوْهُ؟؛ در حالی که خدای آنان یکی است... آنان خدا را نافرمانی کرده‌اند؟» (پیشین، ص ۶۰). «و أَلْزَمُوا السَّوَادَ الْعَظِيمَ، فإِنَّ یدالله مع الجماعة، و ایاکم و الفرقة؛ همواره با سیاهی و انبوه مردم مسلمان ملازم باشید که همانا دست خدا با جماعت است، و از تفرقه بپرهیزید.» (پیشین، ص ۱۸۴).

۴- ارتباطات، عطوفت و صله رحم؛ «وعلیکم بالتواصل و التبادل و ایاکم و التدابر و التقاطع؛ بر شما باد به وصل کردن و هم‌بستگی با هم و بذل و بخشش به هم و پرهیزید از پشت کردن به هم و قطع رابطه با یک‌دیگر». (نهج البلاغه، نامه ۴۷). امام علی علیه السلام می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند؛ دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.» (پیشین، نامه ۵۳). امیر مؤمنان علیه السلام کرامت و حفظ حرمت انسان‌ها را در هماهنگی و وحدت می‌داند. (معادینخواه، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۷).

۵- عمل امام علی علیه السلام و حفظ وحدت اسلامی؛ «لقد علمتم أنى أحق الناس بها من غیرى، و والله لاسلمن ما سلمت امور المسلمین، و...؛ قطعاً شما خود می‌دانید که من از دیگران شایسته‌تر و احق به خلافت هستم، ولی به خدا سوگند من تسلیم هستم و مخالفتی ندارم، مادامی که امور مسلمانان روبه‌راه باشد و تنها به من ستم شود...» (نهج البلاغه؛ ص ۱۰۲). این سخن را علی علیه السلام در شورای شش نفره انتخابی عمر ایراد فرمود.

شیخ عبدالمتعال صعیدی، از علمای بزرگ اهل سنت و استاد دانشگاه الازهر، در ستایش این روحیه علی علیه السلام چنین می‌گوید: «نخستین اختلاف میان مسلمانان، اختلاف بر سر خلافت بود و علی (رضی الله عنه) با آن که می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است، ولی با ابوبکر و عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و از هیچ‌گونه کمک نسبت به آنان دریغ نفرمود، تا نمونه عالی مدارا و حافظ اتحاد، هنگام اختلاف رأی باشد.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۴۵). حضرت زهرا علیها السلام نیز در مورد وحدت می‌فرماید: «وما طاعتنا نظاماً للملة و امامتنا لَمَّا للفرقة؛ امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.» (اربلی، ۱۳۸۲، ش، ج ۱، ص ۴۸۳).

۳-۳- امام حسن علیه السلام و وحدت اسلامی

وحدت عالم اسلام از دیدگاه ایشان بسیار ارزشمند است: «من امیدوارم که خیرخواهترین مردم باشم از برای مردم و کینه‌توز نیستم که از سر عداوت و خودمحموری جنگ به پا کنم و باید آگاهی دهم که اجتماع مسلمانان و جماعت آنان اگر چه مکروه شما باشد بهتر است از پراکندگی و تفرقه هر چند دو دستگی و جبهه‌گیری خواست شما باشد». (قرشی، ۱۳۹۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۶).

۳-۴- امام صادق علیه السلام و وحدت اسلامی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسلمان برادر مسلمان است و برای برادر مسلمان خود مانند چشم و آینه و بالاخره راهنما و خیرخواه اوست، هرگز به برادر مسلمان خود خیانت نمی‌کند، درباره او نیرنگ و حيله به کار نمی‌برد، به او ظلم و ستم روا نمی‌دارد، به او دروغ نمی‌گوید و در غیاب وی هم سخن ناروایی به زبان نمی‌آورد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴، ص ۱۶۶). آن حضرت به یاران و پیروان خود می‌فرمود: «پیوسته خدا را در نظر داشته باشید و با هم برادران خوبی باشید، به خاطر خدا هم‌دیگر رادوست بدارید، و پیوند برادری خود را مستحکم‌تر سازید، برای هم خضوع و فروتنی پیشه نمایید، عطوفت و مهربانی به خرج بدهید، به دیدار و ملاقات هم بروید، و با این پیوندها و اتحادها، مکتب ما را زنده بدارید.» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۵).

بنابراین، اسلام و آموزه‌های آن، انواع ناسیونالیسم با گونه افراطی را برنمی‌تابد. مبانی خدامحموری و اهدافی که در اسلام در راستای وحدت انسانی، کرامت و رستگاری بشر مطرح می‌گردد، با مبانی ناسیونالیسم که اومانیستی و انسان‌محور است و اصالت نژاد، قوم، جغرافیا و یا نظام حکومتی خاص را بر پایه احساسات عاطفی و روانی مطرح می‌کند، کاملاً در تضاد است.

ب) ارزش‌ها در اسلام و ناسیونالیسم

جامعه اسلامی سنت‌ها و اصولی دارد که می‌توان از آنها به عنوان ارزش‌های اسلامی یاد کرد. هویت و استقلال جامعه اسلامی بستگی به پاسداری آنها داشته و حفظ آنها یکی از مؤلفه‌های وحدت اسلامی و تقریب مذاهب است. امام علی علیه السلام به مالک اشتر دستور می‌دهد: «هیچ سنت شایسته‌ای را مشکن که معیار عمل بزرگان این امت بوده است و هم‌بستگی و کار ملت بر محورش سامان می‌یافته است و هیچ راه و رسم جدیدی ایجاد مکن که به سنتی از این سنت‌ها آسیب برساند.» (پیشین، ص ۸۵). اما ارزش‌ها در ناسیونالیسم با توجه به مبانی و اهداف آن، با ارزش‌های

اسلامی کاملاً متفاوت است، چون ارزش‌ها در گرایش‌های ناسیونالیستی، نسبی، قومی، نژادی و... می‌باشد، که بر اساس منافع آنان ارزیابی می‌شود.

بخش چهارم: تقریب و وحدت اسلامی، آسیب‌ها و راه‌کارها

۱- آسیب‌شناسی وحدت و تقریب مذاهب

التقاط عقیدتی، تفکر خودخواهانه، نگاه ناسیونالیستی به قوم، نژاد، مذهب و دین، عصبیت جاهلی، فخر فروشی‌ها و قوم‌گرایی‌ها از یک سو، و ظهور و گسترش مکاتبی چون ناسیونالیسم، سکولاریسم، پلورالیسم، اومانیسم، لیبرالیسم و... از سوی دیگر، از آسیب‌های تحقق وحدت مسلمین خواهد بود، که در دو گروه عمده عوامل بیرونی و عوامل درونی قابل بررسی است.

۱-۱- عوامل بیرونی

۱- استعمارگران و سلطه هژمونی سیاسی؛ تفرقه افکنی استعمار در کشورهای اسلامی و کوشش آنها برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی باعث دامن زدن به اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و نژادی میان مسلمانان شده است، و از راه ایجاد وابستگی فکری و اقتصادی و به کار گرفتن افراد وابسته در قسمت‌های حساس، زمینه جدایی کشورها و ملت‌های مسلمان را فراهم آورده‌اند.

۲- سلطه اقتصادی غرب و لیبرالیسم؛ سلطه اقتصادی غرب، عامل دیگری برای تفرقه و جدایی است. در گذشته، مسلمانان بر مهم‌ترین راه‌های دریایی و جاده ابریشم مسلط بودند، اما اینک شاهراه‌های تجاری در دست قدرت‌های غربی است. بنابراین، اقتصاد دنیای اسلام به غرب وابسته است و این امر نه تنها مانع رشد اقتصاد بلکه مانع همکاری و هم‌دلی مسلمانان می‌شود.

۳- هجوم فرهنگی غرب بر جوامع اسلامی؛ قدرت‌های استعماری، با تسلط بر شبکه‌های ارتباطی، رسانه‌های جمعی، الکترونیک، اینترنت، مراکز فرهنگی، علمی آموزشی و دانشگاه‌های کشورهای اسلامی در صددند که آداب، رسوم و آموزه‌های فرهنگ خود را تزریق نموده و رواج دهند. این امر باعث کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلام و تعطیل شدن حدود اسلامی، تنگ نظری در علوم مذهبی، مسخ ارزش‌های عقیدتی و اخلاقی و نابسامانی در پذیرش آموزه‌های دینی خواهد شد.

۱-۲- عوامل درونی

۱- تعصبات کور مذهبی در بین مسلمانان؛ این امر مسلمانان را از تلاش برای نزدیک شدن به هم‌دیگر و شناخت صحیح یک‌دیگر باز می‌دارد، و باعث ایجاد فاصله بین پیروان مذاهب اسلامی می‌گردد.

۲- استبداد حاکمان سیاسی، دیوار بلند بی‌اعتمادی؛ ظلم و اجحاف حاکمان کشورهای اسلامی از دلایل عمده نارضایتی و اختلاف در جوامع مسلمین قلمداد شده است، چون به نام اسلام و آموزه‌های اسلامی اعمالی را جهت دستیابی به منافع خود انجام می‌دهند، که مسلمان اصیل و حاکمیت اسلام ناب زیر سؤال می‌رود و جو بی‌اعتمادی به وجود می‌آید.

۳- بی‌توجهی مسلمانان به مسایل روز جهان اسلام؛ مسلمانان در دنیای امروز نقطه اصلی اتکای خود را گم کرده‌اند. آنها اینک با پدیده‌ای به نام تجدد و مدرنیسم روبه‌رو شده‌اند، که بدون هیچ زمینه‌ای باید آن را هضم کنند. تنها راه نجات مسلمانان «بازگشت به خویشتن اسلامی» است. آنان به مسایل مهم دنیای اسلام، نظیر مسئله فلسطین، کشمیر، لبنان و... بی‌توجه می‌باشند و این خود باعث دوری مسلمانان می‌گردد.

۴- ناسیونالیسم؛ این پدیده، همان‌طور که بیان شد، رسیدن به «وحدت اسلامی و تقریب» را دچار مشکل می‌کند، چون با تلقی ناسیونالیستی، مردم هر کشوری خود را برتر از همه می‌دانند و همه امکانات و منافع را برای خود می‌خواهند. این نوع «ملی‌گرایی» ماهیت «اخوت اسلامی» را تضعیف نموده و به «امت اسلامی» آسیب می‌رساند.

۵- انحطاط فکری و فرهنگی مسلمانان؛ غرب در قرون وسطی دوران رکود را سپری می‌کرد و دامنه تمدن اسلامی تا دورترین نقاط جهان امتداد یافته بود. ناآگاهی مردم از عوامل مهم حضور استعمار، باعث ظهور استبداد و بروز هرج و مرج و انحطاط فکری گردیده و زمینه‌ای شد تا در اوایل قرن بیستم، کشورهای اسلامی از هم دورتر و دورتر شوند، و دیوار بی‌اعتمادی بلندی به عنوان یک فرهنگ، در بین افراد کشور با مسئولین کشوری و در بین مردم نسبت به هم‌دیگر به وجود آید و اندیشه اتحاد به آرزویی محال تبدیل گردد.

۲- راه کارهای تحقق تقریب مذاهب اسلامی

۲-۱- اصول عام و فراگیر

۱- تکیه بر وحدت کلمه و اشتراکات مذهبی؛ مسلمانان در اعتقاد به قرآن، پیامبر، قبله و... اشتراک دارند، و عقل و شرع اقتضا می‌کند که بر مشترکات فراوان خود تکیه نموده و از برجسته کردن اختلافات جزئی پرهیز کنند، و وحدت کلمه داشته باشند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است...» (آل عمران/۶۴).

۲- دوری نمودن از اختلافات و تسلیم در برابر امر خدا؛ «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ

اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى؛ کسی که قلب و جان خود را تسلیم خدا کند و در آستان پروردگار سر تسلیم و اطاعت فرود آورد در حالی که محسن و نیکوکار باشد به دست‌گیره محکمی چنگ زده است.» (لقمان/۲۲). سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌گوید: «من نمی‌گویم که بر همه کشورهای اسلامی یک نفر حکومت کند، زیرا این کار بسیار مشکل است، ولی امیدوارم که حاکم و سلطان همه ملت‌های مسلمان، تنها قرآن باشد و عامل وحدت و یگانگی آنها دین آنها. با این وحدت هر پادشاهی می‌تواند در کشورش برای حفظ حقوق دیگر کشورهای اسلامی کوشش کند، زیرا حیات او به حیات آن دیگری و بقایش به بقای ملت دیگر مسلمان بسته است. (سید جمال‌الدین، عروة الوثقی، زعماء الاصلاح، ص ۸۴).

۳- حفظ حرمت یک‌دیگر؛ افزون بر مقدسات مشترک بین همه مسلمانان، برخی اعتقادات هم از مختصات هر مذهب است. نباید پیروان مذاهب اسلامی مقدسات یک‌دیگر را مورد هتک و اهانت قرار داده و به تحریک یک‌دیگر پردازند. اگر پیروان اسلام حرمت یک‌دیگر را نگاه ندارند، دشمنان قسم خورده اسلام مقدسات مشترک همه مسلمانان، مثل قرآن کریم، رسول اکرم ﷺ و مکان‌های مقدس آنان را مورد اهانت قرار می‌دهند.

۴- گفت‌وگوی رهبران مذاهب اسلامی و ایجاد تعاون و همکاری؛ تفاهم و هم‌دلی علمای مذاهب اسلامی و کاستن از سوء تفاهمات، اصل مهم دیگری است، که بدون گفت‌وگوی مستمر و ارتباط سالم علمی و فرهنگی مداوم امکان‌پذیر نیست. «المؤمن من اهل الايمان بمنزلة الرأس من الجسد؛ یألم المؤمن لاهل الايمان كما یألم الجسد لما فی الرأس؛ مؤمن نسبت به اهل ایمان چون سرنسبت به تن است؛ مؤمن از رنج مؤمنان رنجور می‌شود چنان که تن از رنج سر رنجور می‌گردد.» (نهج‌الفصاحه، ج ۳، ص ۶) «المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضاً؛ مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنایی محکم است که اجزای آن یک‌دیگر را استحکام می‌بخشد.» (پیشین، ص ۱۰۳ و مشیری نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۹۹). به طور قطع برای جهان اسلام «گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی» بر «گفت‌وگوی بین ادیان و تمدن‌ها» تقدم دارد. حج بهترین فرصتی است که می‌تواند ارتباط و هم‌فکری عالمان و نخبگان جهان اسلام را فراهم سازد.

۵- گفت‌وگوی علمی، زمینه ساز وحدت؛ نخبگان و اندیشمندان مذاهب مختلف، می‌توانند در سایه وحدت و آرامش، بستر علمی و تحقیقاتی را گسترش دهند، زیرا در این بستر علمی، نتایج بسیار مطلوب و ارزشمندی به دست آمده و می‌آید؛ برای مثال، در همین فضای وحدت بوده که شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر مصر، با پژوهش در مذهب شیعه در فتوای مشهور خود گفته است: «مذهب جعفری معروف به مذهب شیعه امامی اثنی عشری، مذهبی است که تعبد به آن، همانند سایر مذاهب اهل تسنن، شرعاً جایز است...».

۶- تعمیق روابط کشورهای اسلامی و حذر نمودن از کینه‌توزی نسبت به هم‌دیگر؛ «لاتباغضوا و لا تحاسدوا و لاتدابروا و کونوا عبادالله اخوانا...؛ نسبت به یک‌دیگر بغض و حسد نداشته باشید و به هم‌دیگر پشت نکنید، بلکه بنده خدا و برادر دینی باشید». (نوری، ۱۳۷۲، ص ۸۰). بر هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز متوالی برادر دینی‌اش را از روی کینه و عداوت ترک نماید. کاهش اختلافات و تنش‌ها یکی دیگر از اصولی است که لازم است کشورهای مسلمان به آن توجه نمایند.

۷- قرآن کریم و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو عامل مهم اتحاد؛ قرآن، کتاب جامع و کامل با سه مقوله اخلاق، عقاید و احکام، همواره این ندا را به گوش جهانیان می‌رساند که اگر مسلمانان در زیر سایه آن جمع شوند، هدایت و رستگار می‌شوند. هم‌چنین نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری واحد نیز یکی دیگر از عوامل وحدت شیعه و سنی است، چنان‌چه در آیه ۴۶ سوره انفال به آن اشاره شده است.

۸- تکیه بر شخصیت حضرت علی علیه السلام؛ شیعه و سنی می‌توانند با تبیین شخصیت علی علیه السلام به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یابند؛ شخصیتی که ابن ابی الحدید درباره او می‌گوید: «چه بگویم در حق کسی که از دیگران بر هدایت پیشی گرفت و به خدا ایمان آورد و او را عبادت نمود، در حالی که تمامی مردم سنگ را می‌پرستیدند».

۹- تنظیم منشور وحدت اسلامی و ارائه راه‌کارها؛ تهیه و تنظیم منشور وحدت اسلامی سبب خواهد شد که ملت‌ها و کشورهای مسلمان بر اساس آن یک اتحادیه عظیم را شکل دهند، و بر مبنای اصول تعریف شده، انسجام خویش را به جامعه جهانی نشان دهند.

به علاوه می‌توان برخی راه‌کارهای تحقق وحدت را در عناوین ذیل برشمرد:

- ۱- گفت‌وگوی علمی بین عالمان شیعه و سنی درمورد اختلاف‌نظرهای فقهی و سیاسی؛
- ۲- تأسیس نهادهای پژوهشی برای نظارت و کنترل برداشتهای نادرست و جلوگیری از تحریف معنوی قرآن و سنت؛
- ۳- تأسیس مرکزی برای شناخت و معرفی دقیق اهل‌بیت علیهم السلام و شبهه‌زدایی از زندگی آنان و جلوگیری از تحریف سیمای عترت علیهم السلام؛
- ۴- گسترش فرهنگ انس با قرآن و حدیث؛
- ۵- اهتمام به خودسازی و تقویت مساجد و نماز و...؛
- ۶- دفاع از آزادی اندیشه و بیان در چارچوب قرآن و سنت؛
- ۷- حمل‌گفتار و رفتار مؤمنین بر صحت و پرهیز از اتهام بی‌جا؛
- ۸- احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی؛
- ۹- احیای روحیه خودباوری و نفی غرب‌زدگی.

۲-۲- راه‌کار وحدت و تقریب مذاهب در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

۱- ایجاد نظام فکری فرهنگی

انحطاط فکری و اعتقادی مسلمین و سلطه قدرت‌های استعماری و رژیم‌های استبدادی جز در

پرتو زدودن ریشه‌های انحطاط و تولید نظریه‌های ناب کاربردی امکان‌پذیر نیست. مسلمانان با مشترکاتی چون تاریخ، فرهنگ و سیاست، باید بازگشت به اصالت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه حرکت خود قرار داده و مؤلفه‌های هویت دینی و ملی را به خوبی شناسایی و درونی نمایند. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، تبیان، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵).

نظام فکری امام خمینی از سه مفهوم اساسی تشکیل یافته بود: «اسلام»، «استقلال» و «آزادی». به اعتقاد امام خمینی، بحران اصلی جهان اسلام معلول فاصله گرفتن دولت‌ها و ملت‌های اسلامی از آموزه‌های حیات‌بخش اسلام و قرار گرفتن مسلمانان در زیر سلطه قدرت‌های غربی و شرقی و نیز اعمال خودکامگی از سوی رژیم‌های مستبد و وابسته است. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر چهاردهم، ۱۳۶۲ش، ص ۳۴۰). به عقیده او تنها اسلام ناب محمدی است که می‌تواند پرده‌های مرزهای جغرافیایی، علایق ملی، منافع فردی و وابستگی‌های فرهنگی را کنار زده و بدون تعلق رنگ و نژاد، تمامی آنها را در مرکز واحد گردآورد. (مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۷۴ش، ص ۴۵). در ذیل، شیوه‌های تعمیم و تعمیق نظام فکری و ایجاد باورهای جهان شمول را مرور می‌کنیم:

الف - فعال شدن نخبگان دینی و ملی در عرصه عمل؛ این امر برای توسعه و تعمیق نظام فکری، فرهنگی و تبلیغاتی ضروری است. نخبگان دینی در حوزه تعمیق اندیشه دینی و نخبگان ملی (روشن‌فکران متعهد) در حوزه تعمیق فرهنگ ملی، نقش رهبری کننده را به عهده دارند. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، پیشین، دفتر هشتم، ص ۲۸۵).

ب - توسعه و تحکیم پایگاه‌های تبلیغی و روابط اجتماعی
 پایگاه‌های سنتی تبلیغ و باورسازی، به دلیل نفوذ آنها در بین مردم و جایگاه مردمی داشتن و نیز سلطه دیرینه و سنتی نخبگان دینی بر آنها و هم‌چنین هزینه‌بر نبودن آنها، در شرایط ویژه نوپا بودن نهضت فکری اسلامی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۹). امام خمینی به خوبی به عمق نقش اجتماعات دینی چه در بعد اندیشه‌سازی و چه در بعد اجتماع‌سازی پی‌برده بود. از جمله او «حج» را نه یک عمل عبادی صرف، بلکه یک گردهمایی تمام‌عیار برای طرح مسایل بین مسلمانان می‌داند، از انجام عبادات فردی گرفته تا بازگشت به هویت جمعی اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی (امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۶).

۲- راه کار سیاسی علمی

الف - دولت‌ها؛ «ما حرفمان این است که دولت‌ها بیایند... همه رئیس‌جمهورها بنشینند پیش هم

و حل کنند مسائلشان را. هر کس سر جای خودش باشد، لکن در مصالح کلی اسلامی، در آن چیزی که همه هجوم آورده‌اند به اسلام در آن با هم اجتماع کنند، جلوشان را بگیرند و آسان هم هست.» (پیشین، ج ۱۸، ص ۱۹۵). ایشان معتقد است که اگر دولت‌های اسلامی بخواهند، به یک تقریب و هم‌گرایی اساسی می‌رسند.

ب ملت‌ها؛ «ملت‌ها خودشان باید در فکر اسلام باشند، مایوسیم ما از سران اکثر قریب به اتفاق مسلمین، لکن ملت‌ها خودشان باید به فکر باشند و از آنها مایوس نیستیم.» (امام خمینی رحمته‌الله، نیان، ص ۱۷۹). امام معتقد است محوریت مردم، در امر اتحاد با دولت‌های اسلامی اهمیت خاصی دارد.

نتیجه‌گیری

مباحثی که پیرامون تقریب مذاهب و ناسیونالیسم مطرح گردید، ما را به نتایج ذیل رهنمون می‌سازد:

۱- مبانی خدا محوری و اهدافی که در اسلام در راستای وحدت انسانی، کرامت و رستگاری بشر مطرح است، با مبانی ناسیونالیسم که اومانیستی و انسان محور است، و اصالت نژاد، قوم و یا نظام حکومتی خاص را بر پایه احساسات عاطفی و روانی مطرح می‌کند، کاملاً در تضاد است، چون خداوند کریم ملاک برتری انسان‌ها را تقوا می‌داند، نه نژاد و قومیت.

۲- در مسئله ایجاد وحدت و تقریب مذاهب، دو موضوع «حفظ اسلام» و «حفظ وحدت اسلامی»، باید در کنار هم مورد توجه خاص قرار گیرد و هیچ کدام را نباید فدای دیگری کرد. همه مسلمانان وظیفه دارند دین اسلام را حفظ نموده و آن را گسترش دهند.

۳- منظور از «وحدت انسان‌ها و تقریب مذاهب» توحید اعتقادی نیست، بلکه مراد آن است که آنان با یکدیگر هم‌دلی داشته و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند، و فرقه‌های اسلامی به‌طور صحیح یکدیگر را بشناسند. (انفال/۴۶).

۴- ایمان و توجه به خدای واحد، الفت انسانی، فضایل و ارزش‌های بشری، و آفرینش از «نفس واحده» را می‌توان از مبانی وحدت برشمرد.

۵- قرآن کریم، یکی از عوامل تقریب مذاهب و وحدت را، خلقت انسان‌ها از «نفس واحده» می‌داند، نه تمایز اتی چون قوم، حزب، ملیت. (نساء/۱)

۶- ناسیونالیسم پیامدهای مثبت و منفی زیادی در جوامع انسانی دارد که تأثیرات منفی آن بیشتر از تأثیرات مثبت آن است.

۷- از راه کارهای تقریب مذاهب، گفت‌وگوی اندیشمندان مسلمان، توجه به مشترکات، و به فرموده امام خمینی علیه السلام، برگشت به خویشتن خویش و نفی سلطه استکبار می‌باشد.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج الفصاحه.
- ۳- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۴- آصف، محمد، مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۵- ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، بی‌تا.
- ۶- ابن اثیر، النهایه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج ۲، ۱۳۶۷ ش.
- ۷- ابن حنبل، احمد، المسند، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- ۸- ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشد الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسول محلاتی، ج ۷۴، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ۹- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه، مجمع احیاء فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰- ابن منظور، لسان العرب، مؤسسه احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۱- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، دارالمعرفه، بیروت، ج ۴، ۱۴۲۱ ق.
- ۱۲- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمة، ترجمه سیدابراهیم میانجی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ج ۱، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۳- اسکندری، مجید، افغانستان در مسیر وحدت ملی، www.ariaye.com/dari/qanoonasasi/eskandari2.html
- ۱۴- شناپدر، لويس، العالم فی القرن العشرين، ترجمه سعید عبود سامرای، بیروت، ۱۹۱۲ م.
- ۱۵- امام خمینی علیه السلام، روح الله، تبیان (وحدت از دیدگاه امام خمینی)، دفتر پانزدهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۶- _____، در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.

- ۱۷ - امام خمینی علیه السلام، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۸ - _____ وحدت از نگاه امام خمینی علیه السلام، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، قم، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۹ - _____ ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۰ - امین، حسن، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۳، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۱ - بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان، دارالهادی، بیروت، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۲ - بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین (ترجمه و توضیح تحریر الوسيله امام خمینی)، مؤسسه انجام کتاب، تهران، ج ۴، ۱۳۶۱ ش.
- ۲۳ - _____ همبستگی مذاهب اسلامی، نشر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۴ - «تقریب مذاهب اسلامی: گامی به پیش»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۷، پائیز ۱۳۷۹ ش.
- ۲۵ - ثقفی کوفی اصفهانی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعد، الغارات، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، فرهنگ اسلام، بی جا.
- ۲۶ - جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسن علیه السلام.
- ۲۷ - جون، هرمان راندال، تکوین العقل الحدیث، دار الثقافة، بیروت، بی تا.
- ۲۸ - جهانیکلو، رامین، تاگور وجدان بشر، ترجمه خجسته کیا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۹ - حامد، عبدالله، اختلاف در امت واحد، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۰ - حکیم، سیدمحمد باقر، وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تبیان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۱ - حنبلی، صمدی الانسان العقائدی.
- ۳۲ - رازی، فخرالدین محمد، تفسیر کبیر، دارالمعرفه، بیروت، ج ۸، ۱۴۱۴ ق.
- ۳۳ - رشید رضا، محمد، المنار، دارالمعرفه، بیروت، ج ۴، ۱۴۱۴ ق.
- ۳۴ - ستوده، محمد، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، جزوه درسی دانشگاه مفید.
- ۳۵ - سجستانی، سلیمان بن اشعث بن اسحق، سنن ابی داود، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۳۶ - شهیدی، جعفر، شرح نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۹ ش.

- ۳۷ - شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن نعمان، *امالی مفید*، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی قم، ج ۱، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۸ - صدر، سید محمد باقر، *الفتاوی الواضحه*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۹ - طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج ۸، ۱۳۷۴ ش.
- ۴۰ - طوسی، محمد بن حسن، *امالی*، انتشارات مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۲۴ ق.
- ۴۱ - عربی، محمد عبدالله، *نظام الحكم فی الاسلام*.
- ۴۲ - عیاشی، محمد ابوالنصر بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ج ۱، بی تا.
- ۴۳ - فوزی، یحی، *امام خمینی و هویت ملی*، www.imam-khomeini.com/Didgahha
- ۴۴ - فیض کاشانی، محسن، *وافی*، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ج ۹، بی تا.
- ۴۵ - قپانچی، صدرالدین، *المذهب السیاسی فی الاسلام*، دار التعارف، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- ۴۶ - قرشی، باقر شریف، *حیة الامام الحسن بن علی علیه السلام*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۲، ۱۳۹۳ ق.
- ۴۷ - قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، دارالکتب العربی، بیروت، ج ۴، ۱۴۱۹ ق.
- ۴۸ - قهری، داریوش، *تحول ناسیونالیزم در ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۴۹ - کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ۱۳۶۷ ش.
- ۵۰ - گارودی، روزبه، «جهان اسلام و شیوه های مبارزه با توطئه های غرب»، فصلنامه معرفت، شماره ۲۴، بهار ۱۳۷۷ ش.
- ۵۱ - گنجی، رعنا، «چند نظریه از تاگور»، مجله بینش سبز، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۴ ش.
- ۵۲ - لاهوری، اقبال، *کلیات اشعار فارسی*، مقدمه از احمد سروش، سنایی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
- ۵۳ - ماتیل، الکساندر، *دایرة المعارف ناسیونالیزم*، ترجمه کامران فانی و محبوبه مهاجر، وزارت امور خارجه، تهران، ج ۱، ۱۳۸۴ ش.
- ۵۴ - ماکپور، *تکوین الدوله*، دار المکتبه، بیروت، ۱۹۹۲ م.
- ۵۵ - متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، *کنز العمال*، مؤسسه الرساله بیروت، ج ۹، بی تا.

- ۵۶ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۴۴، ۱۴۰۴ ق.
- ۵۷ - مجله پگاه حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۹۷ و ۹۶، ۱۳۸۰ ش.
- ۵۸ - مجله تقریب، از انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ش ۵.
- ۵۹ - «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، مصاحبه با آیت الله واعظ زاده خراسانی، ماهنامه پیام حوزه، شماره ۱۳ بهار ۱۳۷۶.
- ۶۰ - مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۱۳، ۱۳۷۴ ش.
- ۶۱ - مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، قم، ۱۳۷۱ ش.
- ۶۲ - مظفر، محمد حسین، تاریخ الشیعه، منشورات مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.
- ۶۳ - معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، نشر ذره، تهران، ج ۱، ۱۳۷۳ ش.
- ۶۴ - معظم پور، اسماعیل، نقد و بررسی ناسیونالیسم تجدیدخواه در عصر رضاشاه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۶۵ - معین، محمد، فرهنگ معین، امیر کبیر، تهران، ج ۴، ۱۳۷۱ ش.
- ۶۶ - مغنیه، محمد جواد، الاسلام والعقل، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۷ م.
- ۶۷ - نبهانی، تقی الدین، نظام العالم، دار المکتبه، بیروت، ۱۹۸۱ م.
- ۶۸ - نسفی، محمد عمر، شرح العقاید النسفیة، مکتبه رشیدیة، کراچی، ۱۹۷۹ م.
- ۶۹ - نقوی، علی محمد، الاسلام والقومیة، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۹۸۸ م.
- ۷۰ - نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۷۱ - نوری، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان، به کوشش مصطفی درایتی، انتشارات استاد احمد مطهری، قم، ۱۳۷۲ ش.
- ۷۲ - یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آئینی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.

ب) لاتین

- 73- Andrew Heywood, political ideologies second Edition Macmilan Press LTD, 1998.
- 74- Gellnes, Ernest (1997). Satat, Nation, Nationalism. AiT scandbook, Falun 1997.

- 75- Hans Kohn, the idea of nationalism, Nith printing, The Mcmilan Company, Newyork, 1967.
- 76- Kedourie, E lie (1993). Nationalismen. WSOY, Finland 1995.
- 77- London ,The,Mary Karl of Revolutions,1848, 85-84:1973.
- 78- Rabindaranat Tagore, Reminiscecec, New Delhi,p.
- 79- Rabindranat Tagore Nationalism□inEnglish writings of Tagore, sahitya Akademi, Delhi, 1996.
- 80- University Oxford,ones of Room A, Press,Woolf Virginia, 313:1992,
- 81- www.anus.com/tribes/snus. nihilism/artiklar/alexis/nationalism 7/6/2007.

